

«شبکه سازی» در گفت‌وگو با فعالان سیاسی از بولتن‌هک شده فارس گزارش می‌دهد

## محرمانه‌هایی معلق میان شایعه و واقعیت

صورت گرفت که منجر به این قتل‌ها شد و بحران قتل‌های زنجیره‌ای را به وجود آورد».

**آبشخور بولتن‌سازی**

ابطحی به بولتن افشاشده اخیر نیز اشاره کرده و معتقد است این رویه باید به‌جز در سطوح فوق‌سری شفاف بوده، مبتنی بر گرایش‌های سیاسی نباشد و در واقع اصل توازن در انتقال دینا و تحلیل آن در نظر گرفته شود. موضوعی که محمد توسلی، دبیرکل نهضت آزادی و از مسئولانی که در دهه ابتدایی انقلاب فعالیت داشته نیز بر آن تأکید دارد. توسلی در گفت‌وگو با «شرق» توضیح می‌دهد که بولتن‌نویسی بعد از خرداد سال ۱۳۶۰ که فضای سیاسی محدود شد، به تدریج معمول شد. او می‌گوید: «در این فضای سیاسی که گردش اطلاعات آزاد و شفاف نیست، روند بولتن‌سازی و لقای برخی موارد به مسئولان سیاسی، مراجع، روحانیت و… رخ می‌داد. طبیعی است وقتی فضای سیاسی و رسانه‌های محدود شود و شفافیت کاهش پیدا کند، تأثیر القانات محرمانه در بولتن‌ها بر تصمیم‌سازان جدی‌تر می‌شود». توسلی بولتن‌های خبرگزاری فارس را که اخیرا افشا شد، مستند این گزاره را تحلیل ارزیابی و تأکید می‌کند: «آبشخور باگرفتن زمینه بولتن‌سازی همان عدم شفافیت و آزادی رسانه‌هاست».

**ابهام‌وهم‌باز ابهام**

رعایت بی‌طرفی به‌گونه‌ای که هم تحلیل با سیاست‌ها منطبق و هم از طرفداری سیاسی پرهیز شود، یکی از کلیدی‌ترین ویژگی‌های تحلیل‌اطلاعات است. در عمده مواقع، مسئولان تحلیل داده‌ها باید تلاش کنند فضای مبهم را برای تصمیم‌سازان شفاف کنند. بدون آن‌که توضیهای مستقیم یا رویکرد سیاسی جانبدارانه‌ای داشته باشند. رویکردی که در بولتن افشاشده از فارس شاهد آن نیستیم. همچنین تأیید‌ها، تکذیب‌ها و واکنش‌ها به آن نیز فضا را به قول غلامحسین کرباسچی «مبهم و مشکوک» کرده است.

کرباسچی به «شرق» می‌گوید: «تهیه بولتن از زمان امام موسوم بوده و در دوران آقای هاشمی‌رفسنجانی نیز بولتن‌های وزارت اطلاعات برای سران قوا و برخی دیگر از مقامات تهیه می‌شده است». او همچنین پرسش‌هایی را مطرح کرده و می‌گوید: «اساسا چرا باید برای فرمانده سپاه یک خبرگزاری بولتن تهیه کند؟ چرا برخی مسئولان ازجمله مسئولی که در دفتر رهبری سمتی دارد، معتقد است این بولتن‌ها ناقص است؟ برخی دیگر هم که اطلاعات آن را زیر سؤال برده‌اند؛ درحالی‌که خبرگزاری فارس بولتن‌ها را تأیید می‌کند. همچنین برخی رسانه‌ها از آن استقبال کرده‌اند. از سویی در این بولتن به برخی نظرسنجی‌ها اشاره شده که اساسا طبقه‌بندی محرمانه ندارند و می‌توان و باید به اطلاع عموم برسد، اما شاهد ایجاد محدودیت در انتشار آن هستیم که یک نقطه ضعف به حساب می‌آید»؛ نظرسنجی‌هایی که می‌تواند به مجموعه حاکمیت برای اتخاذ تصمیماتی درباره شهروندان درک عمیق‌تر و دقیق‌تری بدهد. سرنوشت او به‌عنوان یک مدیر سیاسی که خیلی زود از عرصه سیاست کنار گذاشته شد نیز بی‌تأثیر از برخی پرونده‌سازی‌های نبوده است. از همین روی شاید در پاسخ به این سؤال که آیا خود را قربانی بولتن‌سازی‌ها می‌داند یا نه، می‌گوید: «نمی‌دانم، شاید. قربانی بومد چون بالاخره در اخبار و بولتن‌ها چیزهایی پزینگ و برخی چیزها سانسور می‌شود. درباره شهرداری هم شاید به جای بولتن‌سازی باید اسمش را بگذاریم دروغ‌های عجیب و شاخ‌دار و پرونده‌سازی. البته برای دستگاه‌های دیگر هم بود و تنها مربوط به شهرداری نبود. این قدر تکرار شد که مشخص بود تأثیرش را هم از دست داده و جوسازی است».

**شکست تحلیلی، رویکرد کلخانه‌ای**

برخی ناظران میان فضای دموکراتیک سیاسی و بولتن‌سازی با به بیانی دیگر القانات جریانیه به تصمیم‌سازان، ارتباط مستقیمی قائل هستند. احمد نقیب‌زاده، استاد علوم سیاسی، در گفت‌وگو با «شرق» معتقد است در کشورها دموکراتیک بسیاری از این گزارش‌ها علنی می‌شود و به اطلاع مردم می‌رسد، ضمن آنکه داده‌ها تنها از یک کانال به تصمیم‌سازان منتقل نمی‌شود. او شرح می‌دهد: «در شوروی تنها یک کانال وجود داشت و آن حزب کمونیست بود. در حزب مباحثی مطرح و سپس به دفتر سیاسی و مرکزی منتقل می‌شد و بر اساس آن تصمیم‌گیری نیز صورت می‌گرفت. همه نظرها یک سمت‌وسو داشت و خبری از کتثر و تنوع نبود و بنابراین تصمیمات در یک سیستم بسته اتخاذ می‌شد. این در حالی است که در سایر کشورها، به‌ویژه کشورهای دموکراتیک، شاهد تحلیل‌های متکثر و متنوعی درباره داده‌هایی اصلاح‌شده است که سیاست‌مداران قرار می‌گیرند». به اعتقاد نقیب‌زاده، اینکه بولتن‌ها در یک «سیستم بسته و از مجرای خاص گردآوری و تدوین» شوند و به دست «تصمیم‌سازان» برسند از مهم‌ترین مشکلات بولتن‌های محرمانه است.

به گفته این استاد دانشگاه، از اوایل دهه بیستم در وزارت خارجه دفتری تحت عنوان «برنامه‌ریزی و پیش‌بینی» ایجاد شده که سناریوهای مختلف در آن مورد بررسی قرار می‌گرفت. «المان در این حوزه به‌ویژه در زمان صدراعظمی ویلی برانت، با سیاست‌های نگاه به شرق سرآمد بود». خورجی این به‌اصطلاح اتاق فکرها، سناریوهایی برای تصمیم‌گیری بود که در قالب گزارش گاهی دولتی و گاهی نیمه‌دولتی به مقامات ارائه می‌شد. به اعتقاد نقیب‌زاده علاوه بر مسئله دموکراتیک‌بودن، ایدئولوژیک‌بودن نیز می‌تواند بر کیفیت بولتن‌ها و عواقب تصمیم‌سازی می‌بنای آن تأثیر بگذارد. او می‌گوید: «در بولتن‌سازی در کشور ما بحث عدم شفافیت و صداقت مطرح است. هر نهاد با دیدگاه‌های خود مطلبی تهیه می‌کند که نمی‌توان به آمار و ارقام آن اطمینان کرد. اغلب بولتن‌ها تحت تأثیر گرایش‌های خاص سیاسی ساخته می‌شود و معمولا مردمی و با در نظر گرفتن منفعت عامه نیست، به همین دلیل هم گاهی که درز می‌کند، مردم متعجب می‌شوند و دست به دست می‌چرخد. مثلا ممکن است در بولتنی طرفدار حجاب اجباری اکثریت جلوه داده شوند یا درباره مسائلی دیگر معمولا همه حقیقت مطرح نمی‌شود». توصیه این استاد دانشگاه این است که مردم و مسئولان باید نسبت به آمار و ارقام و داده‌های داخلی خود محتاط باشند.

فارغ از اینکه اطلاعات در بولتن افشاشده چقدر درست یا غلط است، بر کسی پوشیده نیست که بولتن‌نویسان می‌توانند مهندسی افکار مدیران را در دست بگیرند. در فقدان شفافیت رسانه‌ای که امری تحمیلی برای رسانه‌های داخلی به حساب می‌آید، بولتن‌سازان با تکیه بر «محرمانگی» برخی اخبار می‌توانند بیش از هر چیز میدان تصمیم‌گیری را مدیریت کنند. همچنین یک کام فراتر از خبر نیز می‌توانند با نگاه جریانیه و جناحی، تحلیل‌هایی ارائه دهند که شاید از واقعیت آنچه در جامعه جریان دارد، دور باشد و رویکرد و تکیه کلخانه‌ای به مقامات ارشد ببخشد. از همین روی نباید فراموش کرد که شکست در تحلیل، یک کام فراتر از شکست در جمع‌آوری و ارائه داده است.

در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی به‌خصوص اخلاقی دیده و می‌بینند، بر دل داریم. جای خوش‌وقتی است که اینک شاهد حضور و ابراز وجود دانشجویان در جریان‌های اخیر هستیم و خوش‌وقتی بیشتر اینکه همدلی و هم‌سخنی بخش مهمی از استادان را با دانشجویان می‌بینیم. از سوی دیگر آنچه موجب تأسف فراوان است، ایجاد محدودتد‌های آموزشی، صنفی و سیاسی برای آنان و اعمال فشار بر استادان است؛ امری که نه با مبانی و موازین آزادی و حقوق انسانی سازگار است و نه در نهایت امنیت پایدار دانشگاه و جامعه را تأمین می‌کند. از دانشگاه به‌خصوص انتظار نمی‌رود که توجه داشته باشد که همچنان‌که آزادی یک نیاز مبرم و مطالبه مهم است، امنیت نیز برای کشور اهمیت دارد و مراد، از آزادی، امنیت

«ترکیبی از واقعیت و شایعه» شاید توصیف مناسبی برای «بولتن‌سازی» باشد. بولتن‌هایی که با جانشینی رویکردهای خاص و اغلب یک مَهر محرمانگی «ساخته و پرداخته» می‌شوند برای اثرگذاری بر اذهان تصمیم‌سازان، فارغ از عوامل کیفی مؤثر بر بولتن‌ها و با تأکید بر تمیز میان «بولتن‌نویسی و بولتن‌سازی»، بولتن‌های خبری محرمانه نه مختص جمهوری اسلامی و نه دوره کنونی است بلکه به صورت معمول برای بسیاری از مقامات عالی‌رتبه، نهادها، ارگان‌ها، سازمان‌ها و تشکل‌های سیاسی، اقتصادی و حتی مذهبی تهیه و تدوین می‌شوند تا در عصر انفجار اطلاعات، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران از فعل و انفعالات جامعه بی‌خبر نباشند. بخشی از بولتن‌های خبری عمدتا گردآوری همان اخبار رسمی با چیدمانی ویژه و تألیز آنها برای حصول یک نتیجه تصمیم‌ساز است. بخش دیگر نیز معمولا دربرگیرنده یک یا چند لایه عمیق‌تر از اخبار سفید-یا اخبار رسمی منتشرشده در رسانه‌های رسمی- است که می‌تواند در میدان سیاست و سیاست‌گذاری مؤثر افتد. اما مناقشه جدید بر سر داده‌های بولتن افشاشده از کجا شروع شد؟

**رستگاری درصداقت‌است**

همه‌چیز از ساعت ۲۰ و چهل دقیقه چهارم آذر شروع شد. گروه هکری «بِلک‌ریوارد» روز جمعه از هک‌کردن وب‌سایت و سامانه داخلی خبرگزاری فارس خبر داد. این گروه هکری مدعی شد به اسناد، فکس‌ها، تماس‌های ضبط‌شده، اطلاعات پورتال‌های داخلی، اسناد مالی و… این خبرگزاری دست پیدا کرده‌است. بخش مهم این ادعا اما مربوط به دسترسی به ده‌ها بولتن محرمانه در این خبرگزاری بود که بنا به گفته این گروه هکری برای برخی مسئولان ارسال می‌شده است. دسترسی کاربران به این وب‌سایت قطع شد اما خبرگزاری فارس یک روز بعد اعلام کرد ادعای مربوط به حذف ۲۵۰ ترابایت اطلاعات و بخش قبلمی با عنوان «فیلم دوربین مداربسته» از یکی از کارکنان این خبرگزاری «صحت ندارد». اما ۹ آذر بعد از انتشار مجموعه‌ای از بولتن‌های محرمانه برای سردار حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران، «فارس» به صورت تلویحی این خبر را تأیید کرد اما در رشته‌توییت‌ها که درباره آن منتشر کرد، از این بولتن‌ها با عنوان «جزوه» یاد کرد که مربوط است به «صد شنیده‌های محافل رسانه‌ای، شایعات فضای مجازی و ادعاهای رسانه‌های بیگانه که امکان صحت‌سنجی آن برای خبرنگاران فارس میسر نبوده» تا «جهت بهره‌برداری رسانه‌ای و خنثی‌سازی شایعات آژیوشده یا برای آگاهی برخی مسئولان» ارسال شود. این خبرگزاری همچنین مدعی شد این مطالب «اخبار سری» نبوده و در مواردی «بعضی عبارات و واژه‌ها مخدوش شده و «فارس» بولتن‌ها را در دسترس قرار داده است. بخشن مهم این ادعا اما مربوط به دسترسی به ده‌ها بولتن محرمانه در این خبرگزاری بود که بنا به گفته این گروه هکری چیزی در حدود دو هزار صفحه از این بولتن‌ها را منتشر کرده است. بولتن‌هایی که گفته می‌شود با نظارت عباس درویش توانگر، قائم‌مقام خبرگزاری فارس، تحت عنوان «بولتن ویژه بیان» برای سردار سلامی تهیه و ارسال می‌شده است. ادعای تهیه این محتوا تحت نظارت درویش توانگر از توییت یاسر جبرائیلی تأیید شده بود، چراکه رئیس مرکز ارزیابی و نظارت راهبردی اجرائی سیاست‌های کلی نظام در توییتش روایت کرد که بیش از این‌س جزئیات یک بار به توانگر پیام داده و گفته است که اخبار مربوط به او کذب است و اگر سندی دارد منتشر کند. گویا توانگر سندی منتشر نکرده و با همین استاد جبرائیلی در توییتش مدعی شد که مطالب این بولتن‌ها نیز مانند بولتن‌های دیگری که با نظارت توانگر منتشر می‌شده، هیچ اعتباری ندارد. احسان صالحی از اعضای شورای اطلاع‌رسانی دولت هم با روایتی مشابه از توانگر ادعای دروغ‌بودن بولتن‌ها را تکرار کرد و گفت این آتش از «گور» کسی بلند می‌شود که بدون تحقیق «دروغ» و «دروغ» را بولتن می‌کند. عبدالله کنعی، مدیرمسئول روزنامه همشهری، سومین نفری بود که روایت «خبر کذب» درباره خودش را در توییتش نوشت و «شهادت» داد تولید محتوایی این چنین با «هویت خبرگزاری فارس» اتفاق نمی‌افتاده و «هرموقع کسی هم اعتراضی به مدیر فارس کرده پاسخ شنیده که ربطی به فارس ندارد». او در انتهای یکی از این توییت‌ها تلاش دارد خبرگزاری فارس را از فرد تدوینگر بولتن مجزا بداند و می‌نویسد «این حقیقت ماجراست. النجاه فی صدق». شاید همین روایت‌ها شائبه بازداشت درویش توانگر را در روز ۱۲ آذر تقویت کرد. ابتدا این خبر به صورت رسمی و قطعی تأیید نشد، اما در نهایت ۱۴ آذر خبرگزاری صداوسیما بازداشت توانگر را تأیید و گزارش آمنه‌سادات ذبیح‌پور علیه او را منتشر کرد؛ گزارشی که واکنش منفی برخی مدیران فارس را در بر داشت. تلاش اصولگریان برای زیرسؤال‌بردن اطلاعات بولتن فارس این سؤال را ایجاد کرد که چطور در تمام این مدت-که دست‌کم هشت ماه آن را دیده‌ایم- «راست و دروغ‌های فارس» به دست فرمانده سپاه می‌رسیده و بر محتوای آن هیچ نظارتی وجود نداشته است؟ همچنین سؤال بی‌پاسخ دیگری این است که چه تصمیماتی مبتنی بر این اطلاعات که به ادعان برخی افراد همسو با خبرگزاری فارس صحت آن زیر سؤال است، اتخاذ شده است؟

خبرگزاری تسنیم، رسانه نزدیک به خبرگزاری فارس نیز در مطلبی که دهم آذر منتشر کرد این بولتن‌ها را «جزوه» خواند و ادعای تهیه بولتن اخبار محرمانه برای فرمانده کل سپاه را با این ادعا که این مقام عالی به همه اطلاعات دسترسی دارد، مضحک توصیف کرد. مهدی فضائلی، عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب نیز درباره اخبار و مواضع منسوب به رهبری در این بولتن خبری اظهارنظر کرد و گفت «غیردقیق، ناقص و کاذب جعلی و غیرمعتبر» است. در واقع تا این لحظه به جز خبرگزاری تسنیم که اصرد دارد وجود این بولتن‌های محرمانه تهیه‌شده از سوی فارس برای فرمانده سپاه را کذب عنوان کند، باقی کسانی که به آن واکنش نشان داده و از قضا در بخش‌های مختلف حاکمیتی هستند، تنها بر «غیردقیق یا بعضا دروغ» بودن برخی داده‌ها تأکید کرده‌اند که شاید همین امر هم شائبه بازداشت توانگر را جدی‌تر می‌کند. سؤال اینجاست که اگر این داده‌ها وجود دارد، چرا انکار می‌شود و اگر غیردقیق است چرا درباره آن شفاف‌سازی صورت نمی‌گیرد. گمانا اینکه شهاب‌الدین طباطبایی، دبیر کل حزب ندای ایرانیان نیز ذیل توییت مهدی فضائلی این سؤال را مطرح کرده و خواسته بود موارد «غیردقیق، ناقص و گاهی جعلی» در این فایل‌ها مشخص شود. برخی چهره‌های غیراصولگرا و تحلیلگران نیز طی روزهای گذشته به افشای این بولتن از مناظر مختلفی واکنش نشان دادند؛ برای مثال پدram سلطانی، فعال اقتصادی درباره ضعف‌ها و حفره‌های امنیتی بزرگ پدیدار شده، همدار داد. عباس عبدی، تحلیلگر سیاسی، از گروه هکری «بِلک‌ریوارد» تشکر کرد، چراکه اگر بنا بر ادعای برخی اطلاعات این بولتن‌ها دروغ بوده، اکنون برای مقامات کشور این مهم برلا شده است. سایت خبری «عصر ایران» هم پیشنهاد داد که مسئولان حدود «۱۰ کانال و صفحه و رسانه از طیف‌های مختلف، از مخالف مخالف تا موافق موافق» را به جای این بولتن‌ها دنبال کنند تا در «ارزدمت، به مجری تولیدکنندگان بولتن‌ها» تبدیل نشوند و نگاه دقیق‌تری به حوادث داشته باشند.

**افشاکاری بابرکت**

اما چه اتفاقی می‌افتد که در دوره‌ای محمود علوی، وزیر اطلاعات نسبت به بولتن‌سازی‌ها هشدار و رسانه‌ها و مردم نسبت به آن ابراز نگرانی می‌کنند و در دوره‌ای دیگر مانند بایز



محمد مهاجری، فعال رسانه‌ای، هم در گفت‌وگو با «شرق» روایتی از این بولتن‌سازی‌ها دارد. او می‌گوید: «در دولت حسن روحانی گروهی بولتن‌هایی که به قول جنتی «از ابتدا تا انتها» جعل و تحریف است، اما نه آن زمان که جناح منتقد از بولتن‌سازی گلیابه و مردم با آنها همراهی می‌کردند و نه حالا که «خودی»‌ها بولتن‌های افشاشده را ساختمی می‌دانند و مردم آن را سند، کسی فکری به حال این محرمانه‌های معلق میان راستی و ناراستی نکرد.

طبیعی بود که نشان دادن چنین تصاویری به افرادی با آن مختصات تبعاتی به دنبال خواهد داشت… او معتقد است «بولتن‌های سیاسی با مذهبی غالباً به منظور ادراک‌سازی و با اهداف سیاسی روشن تهیه می‌شود»؛ بنابراین درک روشنی از چرایی تصمیم‌گیری‌ها به افکار عمومی می‌دهد؛ چیزی که عباس عبدی هم در توییتی به شکلی دیگر به آن اشاره کرده و نوشته است: «نصور می‌شد که نواصولگرایان حقیقت را می‌دانند، ولی در عرصه عمومی آن را نمی‌پذیرند، زیرا در پی رسیدن به قدرت هستند، ولی بولتن‌های خ. فارس نشان داد که اصلا متوجه ماجرا نیستند و این خیلی خطرناک‌تر از پیش‌فرض بالا است. رسانه‌ها ساختاری دارند که برخلاف نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و مبتنی بر شفافیت و نفی محرمانگی است. این تفاوت در ارتباطات میان‌فردی کارکنان و فضای باز تحریه‌یه مشهود است. اگر رسانه وارد کارهایی شود که تناسبی با کارکردش ندارد، نتیجه همین می‌شود که در افشای بولتن‌های فارس می‌بینیم». همچنین محمد مهاجری نیز به زبان و بیانی دیگر به مسئله تهیه بولتن از سوی فارس اشاره کرده و می‌گوید: «تهیه بولتن کار غلطی نیست؛ اما در چند دهه گذشته شغلی به نام بولتن‌سازی که بسیار خطرناک است، درست شده است. این بولتنی هم که الان منتشر شده، ادعاهایی مبنی بر ناقص‌بودن یا ترکیب‌راست و دروغ وجود دارد که امیدواریم فارس و سایر نهادهای درباره اخبار آن شفاف‌سازی کنند؛ اما بولتن‌سازان می‌توانند در کنار صد خبر درست پنج خبر دروغ هم قرار دهند و اتفاقا با این کار در فضای تصمیم‌گیری کشور تأثیر بگذارند. درست و غلط‌بودن داده‌های این بولتن‌ها باید از طریق مقام قضائی و رسانه‌ها برای افکار عمومی شفاف‌سازی شود و اگرچه هک‌کردن امری غیرقانونی و در مواردی غیراخلاقی است؛ اما از آنجا که این مورد برخی ابعاد بولتن‌سازی را افشا کرده، بابرکت هم بوده است».

**بولتن‌ها بجزرمان‌ها**

به گفته مهاجری بولتن‌نویسی سابقه طولانی دارد و دست‌کم از دهه ۶۰ مرسوم بوده؛ اما «بولتن‌سازی» در هر بزنگاه القانات و تأثیرات متفاوتی بر تصمیم‌سازی‌ها داشته است. محمدعلی ابطحی، رئیس دفتر رئیس دولت اصلاحات هم بر تأثیر بولتن‌سازی بر بحران‌سازی اشاره و می‌گوید: «همین که یک مرتبه می‌دیدم حوزه علمیه قم کفن‌پوش شده و مراجع معترض شدند، به خاطر همین اطلاعات سازمان‌دهی و حساب‌شده‌ای بود که در اختیارتش قرار می‌گرفت». دوره اصلاحات به استناد گفته‌های اصلاح‌شده بود رونق‌گرفتن بولتن‌سازی‌هایی بود که فضای کشور را متأثر می‌کرد. آن‌طور که ابطحی برای «شرق» روایت کرده «آن زمان دسترسی به خبر مثل دوران بسایترینت‌ت ساده نبود و خبرگزاری ایرنا بخش خبر محرمانه داشت و این خبرها در تلکس‌های ویژه در طبقه‌بندی به کلی سری تا محرمانه برای گروه مشخصی مثلا سران قوا تا وزرا و معاونان انتشار داده می‌شد. وزارت اطلاعات هم در یک سیستم رسمی بولتن‌روزانه تهیه می‌کرد. همچنین یکی از کارهای وزارت ارشاد هم این بود که بولتن‌های رسانه‌های خارجی را برای مقامات تهیه کند. مثلا اگر در مطبوعات خارجی علیه جمهوری اسلامی چیزی نوشته می‌شد، در این بولتن قرار می‌گرفت. همچنین از ساعت ۶ صبح گروهی در نهاد ریاست‌جمهوری تمام اخبار روز را در قالب بولتن تهیه می‌کردند تا پیش از هر چیز به سسم رئیس جمهوری برسانند؛ اما در این موارد بیشتر بحث گردآوری اخبار و اطلاعات ر مطرح بود».

به گفته ابطحی بعد از این دوران بود که کم‌کم تهیه بولتن‌های فرهنگی به سبک و سیاق قبلی و با همکاری و هماهنگی مدعی‌نصری یا تهیه بولتن برای انمه جمعه و مشابَهت‌سازی در سخنرانی‌های آنها، تهیه بولتن‌هایی برای مراجع و روحانیت با هدف جهت‌دهی سیستماتیک رونق گرفت تا آنجا که «روحي تمام روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌ها و… چاپ‌شده را مطالعه کرده و اگر می‌بخت توهین‌آمیزی به نظر خودشان درمورد دین یا موضوعات اعتقادی وجود داشت، به مراجع و روحانیون منتقل می‌کردند. حتی اگر در گفوشاه‌های از یک کتاب چیزی نوشته شده بود، این بولتن‌ها کاری می‌کردند که صدای اعتراض از قلم بلند شود».

یکی از بحران‌های دولت اصلاحات که به گفته محمدعلی ابطحی ارتباطی با این بولتن‌سازی‌ها داشت، «قتل‌های زنجیره‌ای» است. او به «شرق» می‌گوید: «وقتی پیگیر قتل‌های زنجیره‌ای بودیم، متوجه شدیم چند ماه است راجع به نویسنده‌های کشته‌شده مثل پوینده، مختاری و… در بولتن‌های … به نکته‌هایی اشاره و مطالبی علیه آنها منتشر می‌شده است. در واقع آرام‌آرام نوشته‌های آنها به بولتن‌های از راه یافته بود؛ درحالی‌که من و خیلی‌های دیگر در سیستم مثلا مختاری را خیلی نمی‌شناختم. در واقع ذهنیت‌سازی‌هایی

### خبر

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار رئیس و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح کردند

## لزوم شناخت دقیق ضعف‌های فرهنگی، تلاش برای یافتن راه‌حل و ترویج گزاره‌های صحیح

**پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری**؛ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، دیرروز در دیدار اعضای شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، هدایت فرهنگی کشور را شان و نقش اصلی این شورا خواندند و با اشاره به ضرورت بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور گفتند: شورای عالی انقلاب فرهنگی باید با رصد و شناخت دقیق ضعف‌ها و گزاره‌های غلط فرهنگی در عرصه‌های مختلف، راه‌حل‌های عالمانه‌ای برای رواج گزاره‌های صحیح و پیش‌برنده، ارائه کند. رهبر انقلاب اسلامی در ابتدای سخنان خود نکته‌ای را درمورد شورای عالی انقلاب فرهنگی بیان کردند و با اشاره به حضور افراد برجسته و نخبه و صاحب‌نظر در این شورا گفتند: با وجود غنا و تراز بالای افراد حاضر در این شورا، اما هویت جمعی ششورای عالی به تناسب اعضای آن، بروز لازم را ندارد و لازم است تأثیرگذاری شورا در مسائل فرهنگی کشور تقویت شود، البته اعضای شورا اشتغالات دیگری نیز دارند و این توقع وجود ندارد که اعضا از کارهای اصلی خود بازمانند؛ اما انتظار این است که برای امور مربوط به شورا وقت مناسب و کافی گذاشته شود.ایشان با طرح این سؤال که شان و وظیفه شورای عالی انقلاب فرهنگی چیست، گفتند: مهم‌ترین نقش و وظیفه‌ای این شورا، هدایت فرهنگی کشور و جامعه است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه شیوه هدایت فرهنگی دستگاه‌های رسمی با هدایت فرهنگی تشکل‌های مردمی متفاوت است، گفتند: شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند با هدایت صحیح هزاران تشکل مردمی که در کارهای فرهنگی متنوع و گسترده‌ای فعالیت دارند، زمینه‌ساز شکل‌گیری حرکت عمومی در مقوله‌های مهمی مانند گسترش فرهنگ قناعت و عدم اسراف‌را شود. ایشان ایجاد چنین حرکت‌های عمومی برای فرهنگ‌سازی با اصلاح فرهنگ‌های غلط را بخشی از مهندسی فرهنگی دانستند و درمورد هدایت دستگاه‌های فرهنگی دولتی، افزودند: درمورد دستگاه‌هایی همچون فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات و صداوسیما، هدایت فرهنگی، فقط با ابلاغ سندهای تحول امکان‌پذیر نمی‌شود؛ بلکه باید این سندها دقیق و اجرایی شوند و ضمانت اجرای آنها هم حضور رؤسای سه قوه در شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

رهبر انقلاب اسلامی همچنین با اشاره به سخنان سال گذشته خود در دیدار با هیئت دولت مبنی بر لزوم بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور گفتند: منظور از ساختار، ساختار فرهنگی جامعه و ذهنیت و فرهنگ حاکم بر آن و در یک کلام نرم‌افزاری است که افراد جامعه براساس آن در زندگی فردی و جمعی خود عمل می‌کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: اینکه ساختار باید بازسازی انقلابی شود، به این علت است که انقلاب اسلامی به واسطه رهبری امام (ره) و حرکت مردم، معجزه‌گر بود و با روحیه تهاجمی خود بنیان‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و گزاره‌های غلط حاکم بر اذهان مردم را تغییر داد. رهبر انقلاب اسلامی، اشاره به فرهنگ «ما نمی‌توانیم» به‌عنوان یکی از گزاره‌های غلط حاکم بر جامعه قبل از انقلاب اسلامی گفتند: انقلاب با سازندگی و حرکت‌های خلاقانه این ذهنیت را به‌تدریج تغییر داد که نتیجه آن انجام کارهای بزرگی همچون ساخت سد‌ها، نیروگاه‌ها، بزرگراه‌ها، تخصص‌های صنایع نفت و گاز و بسیاری از زیرساخت‌ها به دست متخصصان جوان داخلی بود. رهبر انقلاب اسلامی فرهنگ «سبکدستی به غرب» و حتی استفاده از لغات فرنگی را یکی دیگر از گزاره‌های فرهنگی غلط حاکم بر جامعه دانستند که انقلاب اسلامی موجب تغییر این گزاره نادرست و تبدیل آن به فرهنگ «اعتراض به غرب» شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تغییر فرهنگ «خودپسندی و شهرت» به فرهنگ «ایثار و ازخودگذشتگی» را نمونه تأثیرگذاری فرهنگی انقلاب اسلامی بر زندگی شخصی افراد برشمردند؛ خاطرنشان کردند: با وجود تغییر بسیاری از بنیان‌های غلط اما عوامل مختلف به مرور زمان موجب تضعیف روحیه تهاجمی انقلاب می‌شود که باید این موضوع مورد مراقبت و رصد جدی قرار گیرد در دپواره آن بنیان‌های غلط سر برنیاورند. ایشان افزودند: می‌توان به کمک پایه‌های فکری انقلاب و جوانان فعال، آن فرهنگ و روحیه انقلابی را بار دیگر تجدید کرد و یک حرکت عظیم فرهنگی و ممانعت از اثرگذاری منفی آنها دچار این موضوع را یکی از کارهای اساسی شورای عالی انقلاب فرهنگی دانستند و گفتند: شورا باید برای تحقق این موضوع، فکر و کار و برنامه‌ریزی کند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رصد دانسم تغییرات معمولاً پنهان فرهنگی و علاج به‌موقع آنها را از ملزومات بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور برشمردند و افزودند: اگر در فهم مستمر این تغییرات و ممانعت از اثرگذاری منفی آنها دچار ضعف و عقب‌ماندگی شویم، حتما جامعه دچار خسارت خواهد شد که آشفنگی فرهنگی یا فقدان زمام امور فرهنگی کشور به دست دیگران مهم‌ترین این خسارات است. ایشان مهندسی صحیح فرهنگی را کاری بنیانی برای اصلاح ساختار فرهنگی خواندند و گفتند: هوشیاری دائم، شناخت دقیق ضعف‌های فرهنگی در عرصه‌های نظیر اجتماع، سیاست، خانواده، سبک زندگی و دیگر عرصه‌ها و تلاش برای دستیابی به راه‌حل‌های عالمانه برای رفع نقاط ضعف و ترویج گزاره‌های صحیح فرهنگی، از الزامات اساسی مهندسی فرهنگی کشور است.رهبر انقلاب، مهندسی فرهنگی را موجب روشن‌شدن تکالیف دستگاه‌های مختلف ازجمله آموزش و پرورش، صداوسیما، آموزش عالی، مراکز مرتبط با جوانان و همچنین تشکل‌های مردمی دانستند و افزودند: اگر این‌گونه دستگاه‌ها دچار غفلت از وظایف مهم خود شوند، جامعه ضرر فراوانی خواهد کرد. ایشان احیای گزاره ضرورت پیشرفت علمی را نیازی مبرم خواندند و با اشاره به نتایج درخشان رواج گزاره عبور از مرزهای دانش در دو دهه قبل افزودند: جهش علمی و جهش فناوری ازجمله آثار پربرکت آن حرکت بزرگ بود که باید استمرار یابد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: دانشگاه‌ها، مراکز علمی و تحقیقاتی و دستگاه‌های مرتبط، پیشرفت و جهش علمی را سرلوحه جدی کار قرار دهند تا کشورمان از قافله علم عقب نیفتد. در ابتدای این دیدار، رئیس‌جمهور در سخنانی مأموریت اصلی ششورای عالی انقلاب فرهنگی را ساماندهی عرصه‌های علم و فرهنگ دانست و با اشاره به نهایی‌شدن سند تحول این شورا، از اقدامات انجام‌شده در دوره جدید ازجمله پیگیری بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی گزارشی بیان کرد.